

آینده نگاری تمدن نوین اسلامی

آینده نگاری کنشی آگاهانه، ارادی، فعالانه و هدفمند برای ساختن آینده مطلوب و مرجح است و بر این فرض استوار است که انسان به عنوان کنشگری فعال می تواند آگاهانه آینده مطلوب خود را انتخاب کند و برای رسیدن به آن تصمیم بگیرد و فعالانه برای ساختن آن تلاش کند و آن را بسازد. بنابراین آینده نگاری فرایندی است که از مطالعه آینده های ممکن و محتمل شروع می شود، و با انتخاب آینده مرجح به عنوان آینده بدیل هزاران آینده محتمل، و راهبردپردازی، سیاستگذاری و برنامه ریزی برای رسیدن به آن ادامه می یابد، و به بکار بستن مجموعه ظرفیت ها، امکانات و ابزارها و توانمندی ها برای شکل دادن آینده، و نظارت و ارزیابی، و تایید یا بازنگری در فرایند ساختن آینده مطلوب منتهی می گردد. این فرایند پنج مرحله به شرح زیر را در بر می گیرد.

مرحله اول: مطالعه دقیق وضع موجود و نگاشت موضعی که در آن قرار داریم. در این مرحله تلاش می شود تا ضمن توصیف و ترسیم دقیق وضع موجود، تمام نیروها و عواملی که در شکل گیری و ساختن وضع موجود دخیل و موثر بوده اند شناسایی شوند. شناخت پیدا کردن از این نیروها و عوامل از آن نظر حائز اهمیت است که امکان و امتناع تداوم یا تغییر وضع موجود، به وجود یا حذف آنها بستگی تام و تمام دارد.

مرحله دوم: شناسایی دقیق آینده های محتمل و مجموع آینده های بدیل. در این مرحله با توجه به نشانه های ثابت و تغییر مجموعه آینده های محتمل و در حال وقوع شناسایی می شوند و تلاش می شود تا از بین آینده های محتمل، محتمل ترین ها که امکان وقوع بیشتری دارند معرفی شوند. مطالعات آینده پژوهانه در این مرحله به طور عمده بر شناسایی عوامل و نیروهای ثبات ساز و تغییردهنده استوار است. زیرا با شناسایی این عوامل و نیروها است که می توان به احتمال تغییر و امکان شکل گیری آینده های محتمل پی برد.

مرحله سوم: انتخاب آینده مرجح از میان آینده های محتمل، و نگاشت آینده مطلوب. با توجه به ارزش ها، اعتقادات، هنجارها و باورهای متفاوت انسانها و جوامع هر آینده محتملی نمی تواند برای همه مطلوب باشد. از این روست که در فرایند آینده نگاری باید دست به انتخاب زد و با توجه به سازگاری هر یک از آینده های محتمل با ارزش های خود آینده مرجح را برگزید و یا مبتنی بر ارزش ها و هنجارهای مطلوب خود، آینده بدیل مطلوب خود را به تصویر کشید و خلق کرد.

مرحله چهارم: راهبردپردازی، سیاستگذاری و طراحی نقشه راه برای رسیدن به آینده مطلوب. در این مرحله از آینده نگاری با این فرض که «آینده مرجح و مطلوب قابلیت ساخته شدن دارد و می توان آن را ایجاد کرد» برای آینده سازی تلاش و برنامه ریزی می شود. طراحی راهبرد و نقشه راه مناسب و سیاستگذاری و برنامه ریزی برای شکل دادن و ساختن آینده مرجح و مطلوب گامی بسیار مهم است که با فراهم کردن امکان بکارگیری نیروها، سرمایه ها و ابزارها می تواند هدف آینده نگاری را محقق سازد.

مرحله پنجم: نظارت، ارزیابی و اصلاح و تایید. پویایی و سیالیت امور و تغییرات مستمر و بی در پی از یک سو و بروز و ظهور پدیده های جدید و نوظهور و وقوع شگفتی سازها عواملی هستند که راهبردها، سیاست ها، رهنگشت ها و برنامه های طراحی شده را تحت تاثیر قرار می دهند و با تاثیراتی که به جا می گذارند می توانند شکل گیری آینده مطلوب را تحت الشعاع خود قرار دهند. از این رو پایش و نظارت و ارزیابی مستمر و دائمی برنامه ها و فرایند آینده نگاری ضروری است. این پایش با این هدف صورت می گیرد که اگر لازم است، حرکت به سمت آینده مطلوب در چارچوب مسیر طراحی و تعیین شده ادامه یابد و تایید و تقویت شود، و یا اگر نیاز دارد اصلاح و بازنگری گردد.

آینده نگاری فرایند یکپارچه است و ذکر این مراحل به معنای آن نیست که حتما باید به ترتیب طی شوند و تقدم و تاخر بر آنها حاکم است. دستبندی این مراحل برای مشخص شدن و عینی کردن فعالیت های آینده نگارانه است و ممکن است، بویژه در آینده نگاری های کلان و راهبردی، این مراحل به موازات هم و همزمان و با تقسیم کار بین بخش ها و حوزه های مختلف طی شود.

با تعریفی که از آینده نگاری وجود دارد آینده نگاری تمدن نوین اسلامی کنشی آگاهانه، ارادی، فعالانه و هدفمند برای ساختن تمدن نوین اسلامی به عنوان تمدن مطلوب و مرجح جمهوری اسلامی ایران است. اسناد بالادستی و دیدگاه های رهبران و تصمیم گیران جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد که آنها به صورت صریح و ضمنی تمدن سازی و ایجاد تمدن

نوین اسلامی را به عنوان هدف انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی معرفی کرده‌اند. پیگیری این هدف و تحقق آن کار بزرگ و عظیمی است که گستره زمانی، مکانی و موضوعی وسیعی را در بر می‌گیرد. از این رو نیازمند آینده‌نگاری راهبردی و یکپارچه، در سطحی کلان است. با توجه به مراحل پنج‌گانه آینده‌نگاری، برای آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی تعیین دستور کار مطالعاتی و اولویت‌های پژوهشی برای مراکز علمی و پژوهشی به شرح زیر ضروری است.

۱. مطالعه گذشته، حال و آینده تمدن اسلامی. با این مطالعات می‌توان نیروها و عواملی را که در سطح داخل و خارج از جهان اسلامی به اوج و فرود تمدن اسلامی کمک کرده‌اند شناسایی کرد و در عین حال به نیروها و عواملی که می‌توانند بر آینده تمدن اسلامی تاثیرگذار باشند پی برد. با این مطالعه می‌توان آنچه را که باید حفظ کرد شناخت و آنچه را که باید تغییر داد یا رها کرد معرفی نمود.

۲. مطالعه احتمالات پیش رو به ویژه با شناخت وضعیت تقابل و تعامل تمدنی. مطالعات این حوزه کمک می‌کند تا آینده‌های تمدنی بدیل به درستی ترسیم گردد. با ترسیم آینده‌های بدیل تمدنی می‌توان وضعیت‌های احتمالی تقابلی و تعاملی بین تمدن‌ها را مشخص کرد. با نگاشت این وضعیت‌ها امکان انتخاب‌های مرجح و گریز از غافلگیری‌ها فراهم می‌گردد. در چنین وضعیتی می‌توان به تقویت وضعیت‌های احتمالی که به شکل‌گیری وضع مطلوب تمدنی (تحقق تمدن نوین اسلامی) کمک می‌کنند پرداخت و با تضعیف بدیل‌های رقیب امکان تحقق آنها را که می‌توانند مانع شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی شوند محدود ساخت.

۳. ترسیم و تصویر دقیق ابعاد و اجزاء آینده تمدنی مطلوب، اولویت مطالعاتی دیگری است که باید در فرایند آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی به آن پرداخته شود. تصویرپردازی از تمدن نوین اسلامی به عنوان تمدن مطلوب به گونه‌ای جذاب و باورپذیر که کشش لازم برای حرکت و اقدام در مسیر رسیدن به آن را ایجاد کند ضروری است. ارائه تصویری مبهم و بدون جذبه و غیرقابل‌باور نمی‌تواند منجر به حرکت جمعی ذی‌نفعان برای ساختن آن شود. از آن رو است که لازم است بخشی از مطالعات و پژوهش‌ها در حوزه آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی به نگاشت تمدن نوین اسلامی اختصاص یابد و طی آن تلاش شود تا ابعاد و اجزا آن به خوبی ترسیم و شناسانده شود.

۴. ارائه راهبرد، تدوین سیاست‌ها و سیاستگذاری، ارائه رهنگاشت و برنامه‌های راهبردی با هدف کمک به فرایند آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی اولویت دیگری است که پیش روی مراکز مطالعاتی و پژوهشی قرار دارد. این مراکز به ویژه مرکزی که به مطالعات آینده پژوهی و راهبردی می‌پردازند لازم است تلاش خود را بر پژوهش‌ها و مطالعاتی معطوف سازند که می‌توانند مسیر حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی را مشخص و هموار سازند. با این مطالعات می‌توان چگونگی رسیدن به تمدن نوین اسلامی را پیشنهاد و تجویز نمود.

۵. مطالعات آسیب‌شناسانه، و نقادانه درباره‌ی راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقداماتی که صورت گرفته است، بخش دیگری از اولویت‌های پژوهشی در زمینه آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی به حساب می‌آید. با این مطالعات می‌توان به ضعف‌ها و قوت‌ها، و فرصت‌ها و تهدیدهای فرایند طراحی و اجرای آینده‌نگاری پی برد و با اصلاح و بازنگری مداوم روند آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی و راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با آن، بر توانمندی‌های خود برای ساختن آینده تمدنی مطلوب افزود.

مجله آینده‌پژوهی ایران با توجه به رویکردهای آینده‌پژوهانه آن و با توجه به اینکه آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی را کنش جمعی مجموعه ذی‌نفعان (نه تنها در سطح ملی بلکه در سطوح جهان اسلام و بین‌المللی) می‌شناسد، شماره سوم خود را به موضوع آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی اختصاص داده است. از این رو مقالاتی را که هر کدام به یکی از اولویت‌های پژوهشی آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی مرتبط بوده، برای چاپ و انتشار برگزیده است. در این جهت دبیرخانه هفته علمی تمدن نوین اسلامی نیز با هدف حمایت از ترویج ادبیات در زمینه آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی، مقالاتی را که به مناسبت دومین هفته علمی تمدن نوین اسلامی به کمسیون آینده پژوهی و آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی این دبیرخانه ارسال شده بودند، در اختیار نشریه قرار داد. ضمن تقدیر از دبیرخانه هفته علمی تمدن نوین اسلامی بابت حمایت از انتشار این شماره، امید است انتشار این شماره بتواند به دانش موجود در زمینه آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی بیفزاید، و به تقویت و تحکیم تلاش‌هایی که برای ساختن آینده تمدنی مطلوب صورت می‌گیرد منجر شود.

دکتر حاکم قاسمی

سردبیر دوفصلنامه آینده پژوهی ایران